

نقد و توجیه رویه قضایی

دعوی مطالبه وجه چک خارج از مدت متعارف

آرای متفاوت آثار متعدد



نیلوفر اشتری

وکیل دادگستری

n.ashtarimail@yahoo.com

چکیده

چک شایع‌ترین وسیله پرداخت در معاملات روزمره است و به واسطه همین شیوع و عمومیت قوانینی متعدد در خصوص استفاده از این سند تجاری وضع یا بازنگری شده است تا اعتبارش نزد عموم تضمین شود و در نتیجه تمایل به استفاده از آن افزایش یابد^۱، اما با وجود تلاش‌هایی که در حوزه وضع و جرح و تعدیل قانون برای تضمین و ارتقای جایگاه چک در معاملات روزمره مردم صورت گرفته است گاهی دادگاه‌ها تفاسیری ارائه می‌کنند که در عمل از امتیازات این سند مهم تجاری می‌کاهد و احقاق حق دارنده را با مشکل مواجه می‌سازد. از بین رفتن حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک به جهت اقامه دعوی دارنده در مقطع زمانی مسما به «خارج از مدت متعارف»، نمونه‌ای از این گونه تفاسیر است که برخوردهای مکرر با این رویکرد نگارنده را بر آن داشت تا قوانین و اصول حاکم بر این سند تجاری و همچنین حقوق دارنده آن را بازنگری کند. در این نوشتار سعی شده است که با ذکر نمونه‌آرایی در این زمینه مبانی صدور این آراء به چالش کشیده و انطباق یا عدم انطباق آن‌ها با قوانین و اصول حقوقی بررسی شود.

واژگان کلیدی: خسارت تأخیر تأدیه مدت نامتعارف اماره قضایی انصراف عملی قاعده اقدام

منع سوءاستفاده از حق تبدیل سند تجاری به عادی

۱. آخرین تحولات این سند تجاری در قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳/۰۸/۱۳۹۷ منعکس شده است.

مقدمه

هرچند دادگاه‌ها جز در مورد رأی وحدت رویه ملزم به تبعیت از آرای صادره در موضوعات مشابه نیستند، اما تمایل به پیروی از رویه غالب و تأثیرپذیری از آن - فارغ از آنکه رویه مزبور تاجه اندازه مطابق قانون و تاجه میزان به احقاق حق و حل مشکل نزدیک است - گاهی تا حدی است که هرنوع نگرش متفاوت را، هرچند مستدل و قانونی نیز باشد، دشوار و بلکه ناممکن می‌سازد. موضوع نوشتار حاضر رویه‌ای غالب است که اکثر محاکم نسبت به محدوده زمانی خسارت تأخیر تأدیه چک در زمان طرح دعوای خارج از مدت متعارف اتخاذ کرده‌اند. با وجود آنکه قانون مورخ سال ۱۳۷۷ راجع به استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶ فارغ از هرگونه قید یا ابهامی تاریخ صدور چک را به عنوان مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک شناسایی کرده است^۱، لیکن بر حسب بررسی‌های نگارنده رویه قضایی در موارد تعلل نامتعارف دارنده چک در اقامه دعوا به مردود شناختن خسارتی تمایل دارد که از زمان سررسید چک تا زمان اقامه دعوا در حق دارنده منظور شده است. از این منظر رویکرد محاکم توجهاً به آرای صادره نسبت به «اقدام خارج از مدت متعارف» حول چهار محور بررسی شده است: انصراف عملی، قاعده اقدام، تبدیل سند تجاری به عادی و نظریه منع سوء استفاده از حق.

۱. انصراف عملی

برخی از محاکم تعلل نامتعارف دارنده چک در

اقامه دعوا را اماره‌ای بر انصراف عملی او از مطالبه خسارت تأخیر تأدیه (از زمان سررسید تا زمان اقامه دعوا) و ترک فعلی از جانب وی تلقی می‌کنند و در نتیجه خسارت تأخیر تأدیه را تنها از زمان طرح دعوا قابل مطالبه می‌دانند.

دادنامه شماره ۱۰۸۳ مورخ ۸۹/۱۲/۲۸ صادره از شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی تهران:

«آقای ... به طرفیت ... طرح دعوا و مبلغ ۱۱۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال وجه چک‌های ... مورخ ۸۷/۰۳/۳۰ و ... مورخ ۸۷/۰۴/۳۰ به انضمام خسارات دادرسی و تأخیر تأدیه را مطالبه کرده است. خوانده دفاع نموده است که شاهد دارد ۶۵ میلیون ریال از مبلغ مذکور را پرداخته است. دادگاه با عنایت به اینکه وجود اصل چک در ید خواهان ظهور در مدیونیت خوانده دارد و در صورت پرداخت قسمتی از وجه، چک‌ها باید مسترد و یا تعویض می‌گردید لذا دفاع خوانده مقرون به دلیل نیست مخصوصاً که وصف تنجیزی اسناد تجاری مؤید خواسته دارنده می‌باشد. بنابر مراتب به استناد مواد ۱۹۸، ۱۵۱، ۵۱۹، ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۱۴ قانون تجارت خوانده را به پرداخت اصل خواسته و مبلغ ۲/۲۲۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و پرداخت حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی و جبران خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ تقدیم دادخواست (۸۹/۷/۲۵) بر مبنای نرخ تورم بانک مرکزی در حق خواهان محکوم می‌نماید. در مورد خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک یا اخذ گواهی نامه عدم پرداخت چک‌ها [۸۷/۵/۸] نظر به اینکه از تاریخ ۸۷/۰۵/۸ تاکنون مدت حدود دو

۲. «منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه‌های لازم از قبیل هزینه‌های دادرسی...» مذکور در تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، خسارات تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله براساس تعرفه‌های قانونی است.»

استصحاب و بقای دین است. زایل می‌کند لیکن توسل به این قبیل دلایل منحصرراً در زمانی جایز است که دلیل دیگری برای کشف حقیقت در دست نباشد. به بیان دیگر، استناد به اماره قضایی (تعلل به معنای انصراف عملی) ابزاری است برای کمک به کشف واقعیت و به کارگیری آن لزوماً کاشف از واقع نیست. بنابراین، تعلل دارنده بدون توجه به دلایل دیگر نمی‌تواند دلیل انصراف از حق باشد.

ثالثاً، حتی در فرض وجاهت دلالت نتیجه «تعلل نامتعارف» بر انصراف از حق سقوط اصل و فرع حق به صورت توأمان خواهد بود و قاعدتاً چنین دعوایی از اساس قابل استماع نیست، نه اینکه بنابر دلایل مبهم و نامشخص انصراف عملی و ترک فعل فقط معطوف به بخشی از خسارت تأخیر تأدیه (زمان سررسید تا تقدیم دادخواست) باشد - نتیجه‌ای که با اتکا بر اماره قضایی (تعلل نامتعارف) به دست نمی‌آید و منطقاً نیازمند دلیلی بیش از گذشت نامتعارف زمان است به‌ویژه آنکه عرف نیز از تعلل چنین استنباطی (انصراف از حق) ندارد چراکه معمولاً هیچ طلبکاری حاضر به گذشت از سود و منفعتش نیست.

رابعاً، سلب حق دارنده سند تجاری به جهت «اقدام خارج از مهلت متعارف» تداعی‌کننده مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی سابق است^۳ به همین دلیل به نظر نمی‌رسد آنچه به جهت مخالفت با شرع طی نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ -

سال سپری شده و خواهان جهت مطالبه وجه اقدام نکرده است، لذا به نظر می‌رسد که پس از اخذ گواهی عدم پرداخت خواهان تکلیف داشته است که در مدت معقولی نسبت به مطالبه وجه چک اقدام می‌کرد و خودداری از مطالبه (اقامه دعوا) در این مدت حاکی از منصرف بودن خواهان از مطالبه وجه در مدت مذکور بوده و خسارت تأخیر تأدیه صرفاً برای مدتی تعلق می‌گیرد که دین مطالبه شده باشد. بنابر مراتب به موجب مستفاد از ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به خواسته خواهان مبنی بر مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید تا تاریخ تقدیم دادخواست رأی بر بی‌حقی صادر می‌شود...»

دادگاه تجدیدنظر استان تهران رأی مزبور را عیناً تأیید کرده است.^۴

درخصوص رأی صادره به نظر می‌رسد که اولاً، «مدت معقول و متعارف» و درمقابل «مدت نامعقول و نامتعارف» مفهوم مشخصی در قانون و رویه قضایی کنونی ما ندارد و تاکنون هیچ ملاک اطمینان بخشی در این خصوص از اداره حقوقی قوه قضاییه و یا مراجع قضایی ارائه نشده است و در رویه نیز اتفاق نظری در این خصوص وجود ندارد. لذا در حال حاضر ملاک صرفاً برداشت شخصی مقام قضایی است که اصولاً از فردی به فرد دیگر تفاوت دارد. ثانیاً، علی‌رغم آنکه وجود اماره (در اینجا «تعلل عرفی») ظهور اصل را - که در این بحث منظور اصل

۳. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۹۷۰۲۲۱۷۰۰۹۳۵ مورخ ۹۱/۰۸/۰۸ صادره از شعبه ۱۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، مجموعه آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، مهر ۱۳۹۱، ص ۳۰۱.

۴. ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸: مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوا شنیده نمی‌شود. ماده ۳۱۸ قانون تجارت: دعاوی راجع به برات، فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود، مگر اینکه در ظرف این مدت اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود.

۷۲۵۷ شورای نگهبان^۵ از قانون حذف گردیده است، اکنون در قالب اماره قضایی و نظر شخصی مقام رسیدگی کننده بتواند وسیله سلب تمام و یا بخشی از حق دارنده سند تجاری قرار گیرد.

گاهی محاکم اقدام

خارج از مدت متعارف
را تقصیر تلقی
می کنند و آن را
مشمول قاعده اقدام
می دانند. مدیون
مطابق با این
استدلال مسئول
پرداخت خسارتی
نیست که منتسب
به شخص دارنده و
ناشی از تعلل او است

دادنامه شماره ۹۷۰ مورخ ۹۱/۱۰/۱۲ شعبه

۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران:

«در خصوص دعوی آقای ... به خواسته مطالبه مبلغ ۱۱۸/۰۰۶/۰۰۰ ریال وجه دو فقره چک به شماره های ... و ... مورخ ۸۱/۰۲/۲۰ با احتساب خسارات دادرسی به شرح متن دادخواست تسلیمی با عنایت به اینکه وجود مستندات در يد خواهان ظهور در اشتغال ذمه خوانده دارد و نظر به اینکه دعوی مطروح و مستندات آن ناظر به اصل خواسته و هزینه دادرسی مصون از تعرض مؤثر خوانده باقی مانده است و باتوجه به

اینکه وکیل خوانده بیان نموده که موکلش پس از برگشت شدن چکها متوجه وجود این دو فقره چک گردیده و اقدام خواهان به برگشت آنها قریب به ده سال پس از تاریخ صدور مشمول قاعده اقدام بوده و موجبی برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک در سال ۸۰ تا تاریخ برگشت آن در سال ۹۰ وجود ندارد، مضافاً آنکه بر فرض پذیرش مرور زمان چک به عنوان سند تجاری قابل استناد نباشد بلکه به عنوان سند عادی قابلیت استناد دارد بنابه مراتب دعوی خواهان ناظر به اصل خواسته و هزینه دادرسی مقرون به واقع تشخیص و با استناد به مواد ۱۹۸، ۵۰۲، ۵۱۲، ۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و مقررات ماده ۳۱۸ قانون مزبور ضمن صدور حکم به بطلان دعوی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه رأی بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۱۱۸/۶۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و پرداخت مبلغ ۶/۴۳۷/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل در حق خواهان صادر می نماید...»

دادگاه تجدیدنظر رأی مزبور را عیناً تأیید نمود.^۶ در نقد آرای که مستند به قاعده اقدام هستند این اشکال قابل طرح است که عمومیت و کلیت اصول و قواعد فقهی بعضاً به گونه ای است که با هر موضعی قابلیت انطباق دارد. به عنوان مثال در خصوص موضوع بحث این نوشتار همان گونه که تعلل نامتعارف در اقامه دعوا می تواند تقصیر تلقی

۵. نظریه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ فقهای شورای نگهبان درباره مرور زمان: مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی به بعد - در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا مواد مزبور که مقرر می دارد پس از گذشت مدتی (ده سال، بیست سال، سه سال، یک سال...) دعوا در دادگاه شنیده نمی شود مخالف موازین شرع است. (مجموعه نظرات شورای نگهبان، ج ۳، ص ۲۳۱، تدوین حسین مهرپور) شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۵۰۰۳۵۳ مورخ ۹۲/۰۳/۱۹، مجموعه آرای قضایی دادگاههای تجدیدنظر استان (حقوقی)، خرداد ۱۳۹۲، ص ۲۳۳.

در نتیجه سند مزبور مشمول قانون تجارت و توابع آن از جمله قانون استفساریه سال ۱۳۷۷ و هیچ‌یک از امتیازات ویژه اسناد تجاری نخواهد بود. بنابراین، چک مزبور از لحاظ خسارت تأخیر تأدیه وفق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی از تاریخ مطالبه (در اینجا منظور زمان طرح دعوا است) به دارنده چک تعلق خواهد گرفت. دادنامه شماره ۱۳۹۴/۱۰/۰۷ صادره از حوزه ۶۲ مجتمع شماره ۲ شورای حل اختلاف شهر تهران:

«...درخصوص دعوای خواهان ... به خواسته خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید دو فقره چک نسبت به مبلغ ۳۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال نظر به اینکه هرچند این شورا درخصوص مورد اظهار نظر کرده است و رأی این شورا درخصوص خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ تقدیم دادخواست و عدم صدور حکم به خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید درواقع به معنای نفی آن است لیکن به لحاظ اعاده پرونده^۱ ضمناً اظهار نظر

شود و مشمول قاعده اقدام باشد، از زاویه‌ای دیگر، تعلل مدیون در ادای دینی که بر ذمه او مستقر است نیز قابل تفسیر به «تقصیر» بوده است و مشمول همین قاعده می‌شود. در این وضعیت به جهت برخورد دو دلیل متعارض هر دو دلیل مردود و از درجه اعتبار ساقط می‌شوند^۲ و دیگر موجبی برای ترجیح وضعیت مدیون بر داین وجود ندارد تا بتوان با تمسک به آن دائن را به نفع مدیون از حقش محروم نمود. بنابراین، همچنان که پیش از این نیز اشاره شد این قبیل دلایل به‌تنهایی کاشف از حقیقت نیستند و شایسته نیست بدون توجه به سایر ادله مستند سلب حق و یا احقاق حق باشند، به‌ویژه در مواردی که قانون در این خصوص تعیین تکلیف نموده^۳ است و نتیجتاً استناد به اصول و قواعد فقهی جایگاهی ندارد^۴.

۳. تبدیل سند تجاری به عادی

در مواردی استدلال می‌شود که تعلل نامتعارف ماهیت تجاری چک را به مدنی تبدیل می‌کند و

۷. «الدلیلان اذا تعارضا تساقطا»

۸. قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص مفهوم کلمه خسارت:

ماده واحده: «منظور از عبارت «کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده» مذکور، خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن، که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده و هزینه دادرسی و حق الوکاله براساس تعرفه‌های قانونی است».

۹. اصل ۱۶۷ قانون اساسی بیان می‌دارد: «قاضی مکلف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید...» همچنین ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: «قضات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین رسیدگی کرده حکم مقتضی صادر و فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانون در قضیه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی، که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند...» و نیز به موجب ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۵ و اصلاحیه ۱۳۸۱/۰۸/۲۷ که بر پایه مفهوم مخالف ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره دعای و دادرسی مدنی همچنان پابرجا و لازم‌الاجراء است: «قضات دادگاه‌ها ... مکلف‌اند به دعای ... موافق قوانین موضوعه و اصل یک‌صد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و تصمیم قضایی را اتخاذ نمایند».

۱۰. پس از درخواست تجدیدنظر نسبت به رأی صادره پرونده به شعبه ۵۱ دادگاه عمومی صادر گردید و شعبه محترم دادگاه علی‌رغم تکلیف به صدور رأی (ماده ۲۷ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴) مجدداً پرونده را با اظهار نظر ارشادی به شورای حل اختلاف اعاده نمود.

می‌شود، نظر به اینکه صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه مشروط بر این است که سند در موعد مقرر و خواهی و در موعد قانونی اقامه دعوا شود و عدم رعایت مواعد به معنای خروج سند از حالت تجاری و تبدیل سند به سند عادی است و در خصوص سند عادی مطابق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی [دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور] مدنی عمل می‌شود و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه تعلق می‌گیرد، زیرا فلسفه چک و اسناد تجاری سرعت در گردش اسناد و تسهیل معاملات است و عدم اقدام به مطالبه چک با گذشت حدود ۱۱ سال با فلسفه فوق مغایرت دارد و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون چک منصرف از چنین موردی است. ملاک مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون تجارت چنان‌که رویه بر این است که کسی که چک را ظرف ۱۵ روز یا ۴۵ روز طبق مواد ۳۱۴ و ۳۱۵ قانون تجارت به بانک نبرد، در صورت درخواست تأمین خواسته ملزم به پرداخت خسارت احتمالی است لذا به شرحی که گذشت شورا در خصوص خسارت مازاد حکم به بی‌حقی صادر می‌کند...»^{۱۱}

ماده ۳۱۵ قانون تجارت مقرر داشته است که دارنده چک باید وجه آن را ظرف ۱۵ روز و یا ۴۵ روز از تاریخ صدور مطالبه کند. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکور در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند، دیگر دعوای او بر علیه ظهرنویس

مسموع نخواهد بود و مطابق مواد ۲۸۹ و ۲۸۶ قانون تجارت دارنده سند تجاری موظف است ظرف یک سال از تاریخ اعتراض عدم تأدیه (گواهی عدم پرداخت) طرح دعوا کند و الا «دعوی دارنده برات بر ظهرنویس‌ها و همچنین دعوای هریک از ظهرنویس‌ها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد». لذا بنابر مستنبط از مواد مذکور اولاً اقدام خارج از مهلت صرفاً موجب زوال حق مراجعه دارنده سند به ظهرنویس/ظهرنویسان سند تجاری است و دست‌کم از مواد قانون تغییر ماهیت تجاری سند به ماهیت عادی به جهت اقدام خارج از مدت معقول قابل برداشت نیست. ثانیاً، حتی در فرض تبدیل سند تجاری به عادی و در نتیجه حکومت ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تاریخ تعلق خسارت تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک است و نه تاریخ طرح دعوا^{۱۲} زیرا معنای «مطالبه» با تأمل در مواد قانون تجارت^{۱۳} «اخذ گواهی عدم پرداخت» از بانک محال علیه است و در مواردی که قانون طرح دعوا را مد نظر داشته است از واژه «مطالبه» استفاده نکرده است و هر کدام از واژه‌های «مطالبه» و «طرح دعوا» را در مجرای حقیقی خود به کار برده است.

افزون بر آن فارغ از آنکه ضمانت اجرای «اقدام خارج از مدت متعارف» دارنده چک بنابر آنچه گفته شد مشخص شده است مقام قضایی

۱۱. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۱۰۱۱۲۰۱۴۵۵ مورخ ۹۴/۱۰/۰۷ صادره از شعبه ۶۲ مجتمع شماره ۲ شورای حل اختلاف شهر تهران.

۱۲. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۱۰۱۱۲۰۱۴۵۵ مورخ ۹۴/۱۰/۰۷ صادره از شعبه ۶۲ مجتمع شماره ۲ شورای حل اختلاف شهر تهران.

۱۳. ماده ۲۷۹ قانون تجارت: «دارنده برات باید در روز وعده وجه برات را مطالبه نماید».

ماده ۲۸۸ قانون تجارت: «هریک از ظهرنویسان بخواهد از حقی که در ماده ۲۴۹ به او داده شده استفاده نماید باید در مواعیدی که به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوا کند...».

در فرض سکوت نیز نمی‌تواند متکی بر نظر شخصی‌اش ضمانت‌اجرایی برای موضوع تعیین نماید، به‌ویژه آنکه وجود تکلیف در قانون لزوماً با ضمانت‌اجراء مواجه نیست. برخی از تکالیف جنبهٔ ارشادی دارد. گاهی قانون جهت پیشگیری از ترافع وجود شرایطی را پیشنهاد کرده و عدم‌رعایت آن را نیز بدون ضمانت‌اجراء گذاشته است. به‌طورمثال، مطابق رأی وحدت رویهٔ شمارهٔ ۲۳۳۱ - ۱۳۴۱/۰۸/۰۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور عدم‌رعایت تکالیف مقرر در مواد ۲۸۵ و ۲۸۸ قانون تجارت درخصوص ارسال اظهارنامه خللی به حقوق شخص ممتنع وارد نمی‌کند.^{۱۴}

۴. نظریهٔ منع سوءاستفاده از حق^{۱۵}

ممکن است تعلل دارندهٔ چک در اقامهٔ دعوا بابتوجه به افزایشی که با گذر زمان در میزان خسارت تأخیر تأدیه ایجاد می‌گردد. به‌نوعی سوءاستفاده از حق تعبیر شود. از این حیث آن بخش از حق که مورد سوءاستفاده واقع شده است (خسارت تأخیر تأدیه از زمان سررسید تا اقامهٔ دعوا) پذیرفته نخواهد شد. در این خصوص باید گفت که مسلماً در صورت اثبات قصد سوءاستفاده از حق باید از اعمال آن جلوگیری بشود و این موضوع عمومیت دارد و محدود به حقوق دارندهٔ

سند تجاری نیست. لیکن ضمن پذیرش این استدلال باید در نظر داشت که اصولاً سوءاستفاده از حق امری است خلاف اصل و در نتیجه بار اثبات آن به عهدهٔ مدیون است. لذا دادگاه نمی‌تواند دارندهٔ

ممکن است تعلل

دارندهٔ چک در

اقامهٔ دعوا بابتوجه به

افزایشی که با گذر

زمان در میزان

خسارت تأخیر تأدیه

ایجاد می‌گردد.

به‌نوعی

سوءاستفاده از حق

تعبیر شود

سند تجاری را به‌صرف تعلل در اقامهٔ دعوا و به استناد سوءاستفاده از حق از حقوق قانونی‌اش محروم کند. از سوی دیگر، نیز معاف کردن مدیون از پرداخت خسارتی که مستقیماً ناشی از تعللش در پرداخت وجه چک می‌باشد، خود مصداق استفادهٔ بلاجهت است

که صریحاً در مادهٔ ۳۱۹ قانون تجارت^{۱۶} به آن اشاره شده و قانون از دارندهٔ سند تجاری در مقابل آن (استفادهٔ بلاجهت) حمایت نموده است. لذا از این منظر نیز محرومیت دارندهٔ چک از مطالبهٔ خسارت تأخیر تأدیه‌ای که از زمان سررسید به چک تعلق می‌گیرد محل انتقاد است.

نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه در این مقاله به آن پرداخته شد، رویهٔ حاضر نسبت به تعلل نامتعارف

۱۴. رأی وحدت رویهٔ شمارهٔ ۲۳۳۱ - ۱۳۴۱/۰۸/۰۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «...علی‌هذا عدم‌ارسال اظهارنامهٔ رسمی یا مراسلهٔ سفارشی دوقبضه به واگذارندهٔ برات و یا اطلاع‌نامه ازطرف هر ظهرنویس به ظهرنویس سابق خود نمی‌تواند موجب اسقاط حق اقامهٔ دعوای دارندهٔ برات بر واگذارنده و قبول‌کننده و ظهرنویس‌ها و همچنین هر ظهرنویس بر ظهرنویس سابق خود گردد...».

۱۵. نگارنده تاکنون دربارهٔ موضوع بحث (اسناد تجاری) با رأیی که مستند به نظریهٔ منع سوءاستفاده از حق باشد برخورد نکرده است، لیکن با توجه به اهمیت موضوع مختصراً در این قسمت به مبانی استناد به این نظریه نیز پرداخته می‌شود.

۱۶. مادهٔ ۳۱۹ قانون تجارت: اگر وجه برات یا فته‌طلب یا چک را نتوان به‌واسطهٔ حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد، دارندهٔ برات، فته‌طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقولۀ وجه آن را از کسی که به ضرر او استفادهٔ بلاجهت کرده است مطالبه نماید.

دارنده چک در اقامه دعوا از لحاظ مستندات قانونی و اصول حاکم بر مقررات خالی از ایراد نیست و پذیرش حق دارنده چک برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک از لحاظ مبنایی مستحکم تر به نظر می‌رسد، به‌ویژه آنکه با توجه به تردیدها و اختلاف نظرهایی که پیرامون مفهوم «مدت نامتعارف» وجود دارد، شناسایی این حق راه را بر اعمال نظرات و برداشت‌های شخصی می‌بندد و اعمال حق را بیش‌ازپیش با سختی در نمی‌آمیزد. درعین حال، پذیرش این حق منافاتی با دادخواهی مدیون به‌عنوان مدعی در صورت اثبات تقصیر و سوءنیت دارنده ندارد، لذا از این حیث نیز خسارتی بدون جبران باقی نخواهد ماند. از طرف دیگر، معتبر شناختن حق دارنده سند تجاری و حمایت قضایی از آن بر اعتبار چک می‌افزاید و استفاده از آن را با اقبال بیشتری روبه‌رو می‌کند. در نهایت می‌دانیم که جوهر مسائل حقوقی با نسبت آمیخته است و از همین‌رو موضوع مورد بحث نیز از این امر مستثنا نخواهد بود. ■